

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه الصلوة

از مصنفات سید اجل اوحد مرحوم حاج سید کاظم رشتی اعلی الله مقامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه و مظهر لطفه
محمد و آله الطاهرين .

اما بعد پس چنین گوید بنده خاکسار و ذره بيمقدار محمد کاظم بن
محمد قاسم الحسینی الرشتی که چون نماز اعظم ارکان دین است و اقوای
اعمال مسلمین که بقبولش سایر اعمال مقبول و عدم قبولش کل اعمال
مردود و مقام توجه بحضرت قدس است و رتبه اتکائی بر سریر انس
چنانچه حدیث نبوی(ص) **الصلوة معراج المؤمنین** بر آن دلیلی است
واضح و شاهی است روشن پس صرف همت در تصحیح و تنقیح آن از
جمله لوازم و کمال توجه بقلب در آن واجب و متحتم و چون وصفش
دون ذاتش باحسن لغات که لغت عربیت است موضوع لهذا فارسی زبانان
را که انس بلغت عرب نیست از معانی و دقائق و حکم و اسرار آن حظی
نیست و باین علت لذت اقبال و حسن عبادت و کمال توجه و اخلاص قلب
ایشان را حاصل نیست لهذا بعضی از ارباب ایمان که بزور صلاح و تقوی
آراسته و بحلیت صدق و دیانت پیراسته طالب طریق قویم و جویای صراط

مستقیم اکمل الله له الايمان و افاض عليه من کمال البر و الاحسان انه کریم رحیم منان از این حقیر ملتمس که معانی و بعض اسرار جزئیة نماز را بزبان فارسی در سلك تحریر و تسطیر درآورم تا عوام نیز از معانی آن اطلاع بهم رسانیده شاید توجه تام بجناب ملك علام رسانند و بمدلول الدال علی الخیر کفاعله این روسیاه نیز مشمول عنایات الهیه گردم و لکن چون وقت تنگ و اشغال بسیار و قلب غیر مجتمع میسر نشد که حقیقت حال را کماینمگی بطوریکه ممکن است اظهار آن در معرض عرض درآورم بکمال اختصار و غایت اقتصار کفایت کرد و الله المستعان.

بدانکه شیخ صدوق (ره) در امالی بسند خود از ابن عباس روایت کرده که جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حضرت حق جل و علا را ملکی هست که او را اسخائیل (سخائیل **خ**ل) مینامند و موکل است بگرفتن براتها از برای نماز گذارندگان در نزد هر نمازی از جانب پروردگار عالم پس چون صبح کنند مؤمنین و برخیزند برای نماز پس وضو میگیرند و نماز صبح را ادا میکنند براتی از جانب خداوند عزوجل برای ایشان میگیرد باین مضمون که منم خداوند باقی ای بندگان و کنیزان من در حرز و حمایت خود قرار دادم شما را و در حفظ خود و تحت کنف حراست خود گردانیدم شما را قسم بعزت خود که شما را مخدول نخواهم کرد و گناهان شما آمرزیده است تا وقت ظهر پس چون وقت ظهر درآید پس برخیزند مؤمنین برای نماز ظهر پس وضو بگیرند و نماز بجای آورند آن

ملك از جانب خداوند عزوجل برات دوم میگیرد برای ایشان که نوشته است در آن که منم خداوند قادرای بندگان و کنیزان من بدل کردم سیئات و گناهان شما را بحسنات و آمرزیدم گناهان شما را و جای دادم شما را بجهت خوشنودی من از شما را در خانه جلالت و عظمت پس چون وقت عصر درآید و مؤمنین برای نماز برخیزند و وضو بگیرند و نماز بجای آورند ملك برای ایشان برات سوم بگیرد که نوشته است در آن منم خداوند جلیل جلیل است ذکر من و عظیم است پادشاهی من ای بندگان و کنیزان من حرام کردم بدنهای شما را بر آتش و ساکن گردانیدم شما را در مسکن نیکوکاران و دفع کردم برحمت من از شما شر اشرار را پس چون وقت مغرب دررسد پس مؤمنین برخیزند و وضو بگیرند و نماز بجای آورند آن ملك برای ایشان برات چهارم بگیرد که در آن نوشته است منم خداوند جبار کبیر متعال ای بندگان و کنیزان ملائکه من از پیش شما بالا رفته اند و از شما راضی و خوشنودند و سزاوار است که من راضی شوم از شما و بدهم بشما روز قیامت آرزوهای شما را پس چون وقت نماز عشا دررسد آن ملك برای ایشان برات پنجم بگیرد که در آن نوشته است که منم خداوندی که هیچ معبودی غیر از من نیست و هیچ پروردگاری بجز من نه ای بندگان و کنیزان من در خانهای خود خود را پاك کردید و بخانه من پاك آمدید و در یاد من خوض کردید و حق مرا شناختید و آنچه بر شما واجب کردم ادا نمودید گواه میگیرم تو را ای اسخائیل و سایر ملائکه را

که من راضی شدم از ایشان پس اسخائیل هر شب بعد از عشا سه نوبت صدا بلند میکند و ندا میکند که ای ملائکه خداوند عالم بدرستی که خدای جل و علا آمرزیده است نماز گذارند گان و توحید کننده گان را پس باقی نمی ماند ملکی در هفت آسمان مگر اینکه استغفار میکنند برای نماز گذارند گان و دعا میکنند برای ایشان که توفیق مداومت را بیابند و هر مرد یا زنی را که نماز شب روزی شود برخیزد از خوابگاه خود با اخلاص پس وضوی کامل بگیرد و نماز بجای آورد برای خدای عزوجل با نیت درست و دل سالم از وساوس نفسانیه و شیطانیه و بدن خاشع و چشم اشکبار از خوف خدا قرار میدهد خداوند عزوجل در پشت سر آن مؤمن یا مؤمنه نه صف از ملائکه هر صفی عدد ایشان را بغیر از خدا نمیداند يك طرف آن صف بمشرق متصل و طرف دیگر بمغرب پس چون فارغ شود از نماز نوشته میشود برایش بعدد آن ملائکه درجات در بهشت **منصور**

روایت میکند که چون ربیع بن بدر این حدیث را ذکر میکرد میگفت کجائی تو ای غافل از ادراک این کرم و کجائی تو ای غافل از نماز شب و از این ثواب عظیم پس خود را از این خیر عظیم محروم مکن و توجه کن در نماز و باداب او را بعمل آور که چون نماز تو مقبول شد سایر اعمال تو مقبول میشود و چون نماز تو مردود شد همه اعمال تو مردود میشود **و**

جناب امام زین العابدین (ع) فرموده که قبول نمیشود از نماز مگر آنچه را که اقبال کنی بآن بدل تو و اتفاق میافتد که از بعضی نصف نماز ایشان

مقبول میشود و از بعضی ثلث و از بعضی ربع بقدری که دل را از نماز بیرون نبرده پس سعی کن در اقبال و اخلاص که این هر دو منشأ سعادات و عمده خیرات میباشند.

آغاز کلام - چون خواهی که نماز بجا آوری اول خود را پاک کن از نجاسات ظاهریه و باطنیه که اراده توجه بحظیره قدس و ملاقات با ملائکه اصحاب انس داری با نجاست ایشان از شخص دوری میکنند چه ایشان پاک‌اند با ناپاکان آشنائی نمیکند پس وضو بساز و اول روی خود را بشوی که میخواهی بجانب حضرت (حظیره **خل**) قدس رو آوری و دستها را تا ذراع بشوی که میخواهی بلند کرده از او طلب حوایج کنی و خاضع و خاشع شوی و پاها را مسح کن تا سعی بجانب او نمائی و رو (**سر خل**) را نیز مسح کن که محل برکت است و نزول رحمت پس مستشعر باش عظمت خداوند را و کبریا و جلالت او را و ضعف و فقر و عجز و ذلت خود را پس بگو در اذان **الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله** **اکبر** یعنی عظیم و بزرگست خداوند جلیل تبارک و تعالی و بزرگتر است از آنکه بوصف درآید یا بدانش کسی آید یا ادراک در مقام معرفتش قدم نهد بلکه از آن عظیم‌تر و بزرگ‌تر و جلیل‌تر است از اینکه مخلوق را با او نسبتی باشد و یا در نزد حرم کبریاء او مذکور گردند یا او را وصف توانند کرد مگر بآن وصفی که خود را بآن توصیف کرد برای خلق که **سبحان**

ربك رب العزة عما يصفون پس بتكبيرات اثبات فقر و بی اعتباری و بی قدری خود و عظمت و جلالت و قهاریت و عدم وصول خلق بمعرفت بوجهی من الوجوه پس توجه كن بجانب او و اقرار كن بتفرد و استقلال او و اینکه غیر او چیزی مستقل و متحقق و ثابت نیست پس بگو **اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان لا اله الا الله** یعنی گواهی میدهم و شهادت میدهم که نیست معبودی شایسته عبادت و پرستش موجود و متحقق و ممکن بجز ذات بی‌همتای حضرت احدیت جلت عظمته آن خداوندی که خلق متحیر و سرگردان میباشند در معرفت عظمت و جلالت او زیرا که مستقلی غیر او نیست چنانچه در تکبیر معلوم شد پس اوست واحد (احد **خل**) در ملک و قیومیت و چون شهادت از دو عادل قبولست لاجرم بظاهر و باطن خود گواهی میدهد باین جهت است که دو مرتبه شهادت لازم باشد پس چون اثبات تفرد و استقلال و حدانیت او تعالی نمودی و اینکه اجل است از مباشرت و معاشرت خلق تا بواسطه فیض وجودی و شرعی خود را بخلق برساند پس لازم شد واسطه که فیض از او اخذ (واحد **خل**) نموده بخلق برساند بعلت مناسبت با خلق و ترجمه کند برای ایشان وحیهای خدا را موافق و مناسب لغت و فهم ایشان پس اقرار بر رسالت و نبوت آن واسطه که متمم اقرار بوحدانیت است کن پس بگو **اشهد ان محمدا رسول الله** (ص) **اشهد ان محمدا رسول الله** (ص) یعنی گواهی میدهم که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلی الله علیه و آله فرستاده خداست بخلق بجهت تبلیغ و

ادای جمیع تکالیف که از خلق می‌خواهد بعلت احتیاج خلق و عدم تمکن ایشان از اخذ و تلقی از جناب رب العزه بدون واسطه پس بایست که اقرار کنی و اعتقاد نمائی بجمیع ما جاء به النبی صلی الله علیه و آله که از آن جمله نصب خلیفه و وصی بلا فصل جناب امیر المؤمنین (ع) با یازده فرزند ارجمندش امامان دین و هادیان طریق یقین سلام الله علیهم اجمعین و از آن جمله معاد و حشر ارواح و اجساد و همچنین سایر اعمال و اقوال و اعتقادات که از شرع مبین به نص خاتم المرسلین علیه و آله صلوات الله ابد الابدین ثابت و محقق گشته پس اگر گواهی بولایت امیر المؤمنین علیه السلام را نیز مقرون بشهادت بر سالت سازی بسی زیبا و پسندیده و نیکو و زبیده و لکن جزء اذان و اقامه باید ندانی چون اقرار و اعتراف بوحدانیت و یگانگی حق تعالی و استقلال او سبحانه و تعالی و اضمحلال ماعدا و اقرار به رسالت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله نمودی پس مستشعر شو و بخود آی و بفهم که فخری برایت نیست الا در طاعت و بندگی و توجه بجانب حضرت حق تعالی بآن قانون و روشی که خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله قرارداد فرموده و چون اعظم طاعات و اهم عبادت نماز است پس بر نماز قیام به بندگی نما و نفس خود را مخاطب ساز از جانب حق تعالی پس بگو **حی علی الصلوة حی علی الصلوة** یعنی اقبال کن و بشتاب بسوی نماز بظاهر و باطن که نماز معراج مؤمن است و سبب وصول بمقامات عالیه و باعث عطاهای بی پایان و کمال عبودیت محضه برای خالق منان

پس ذکر کن ثمره و علت نماز را از جانب حق تعالی که موجب رستگاری و فوز عظیم است در دنیا و آخرت پس بگو **حی علی الفلاح حی علی الفلاح** یعنی بشتاب و اقبال کن بسوی رستگاری از مکاره دنیا و فوز عظیم باعلامقامات درجات آخرت چه هر کس دور کعت نماز مقبول بجای آرد حق تعالی او را عذاب نخواهد کرد و چونکه فلاح و رستگاری کسی خیال میکرد که از غیر نماز حاصل میشود و حال آنکه حاصل نمیشود کما ینبغی الا بنماز لاجرم ذکر کن برای نفس خود که حقیقت فلاح و رستگاری منحصر بنماز است و نماز اعظم ارکان دینست پس بگو **حی علی خیر العمل حی علی خیر العمل** بشتاب بسوی نیکوتر اعمال و پسندیده تر افعال که هیچ عملی از او بهتر و هیچ عبادتی از او شایسته تر نباشد پس چون افضل و اکمل و بهترین اعمال شد پس فلاح و رستگاری که در این عمل متصور است در هیچ عملی متصور نخواهد بود پس بخود آی و بهوش باش که اعمال هر چند اسباب وصول بدرجات عالیه و مقامات متعالیه است و لیکن اعتماد بر عمل نشاید و رکون بآن خسارت دنیا و آخرت آورد چه اعمال در جنب معاصی بندگان و نعمتهای گوناگون بی پایان حضرت سبحان چه مقدار دارد که عامل بآن تواند مستحق مرتبه از مراتب بشود و بآن داخل بهشت شود پس توجه بجانب خدا کن و عظمت و کبریائی او را در نظر آور و بدانکه بغیر از فضل و کرم او چیزی بکار نیاید پس بگو **الله اکبر الله اکبر** یعنی خداوند عالم جلّت عظمته اعظم و

اکبر و اجل از آنست که نظر باعمال ما کند و بآن پاداش دهد ما را اشیا را در نزد او تحقیقی و مقداری نیست پس بفضل و کرم خود رحمت کند و این عمل وسیله وصول بفضل و کرم او است پس چون اثبات اضمحلال اشیا بتکبیر کردی پس بسر منزل توحید قدم نه و بگو **لا اله الا الله لا اله الا الله** یعنی موجودی متأصل و صاحب اثری متحقق نیست مگر ذات بی‌همتای حضرت کریم منان و قادر سبحان تعالی شأنه و جل احسانه و اعظم انعامه پس قطع کن کلام را و يك گام بردار یا سجده کن و در سجده بگوی **لا اله الا الله انت ربی سجدت لك خاضعا خاشعا** باز (یا خ) **بگو رب سجدت لك خاضعا خاشعا ذلیلا** یعنی نیست معبودی سزاوار پرستش مگر خداوند بی‌مثال سبحانه و تعالی بارالها توئی پروردگار من سجده میکنم برای تو در حالتیکه خاضع و خاشع میباشم برای تو پروردگارا سجده میکنم برای تو در حالتیکه خاضع و خاشع و ذلیل و در نماز مغرب سجده کردن مستحب نیست میان اذان و اقامه پس برخیز و متوجه اقامه شو مثل اذان و لیکن **الله اکبر** دو بار بگو و **قد قامت الصلوة** بیفزای **لا اله الا الله** در آخر یکبار بگو و سبب اذان و اقامه آنست که انسان را جسمی است و روحی و هر يك را دو مرتبه است مرتبه اعلی و اسفل پس باذان اعلام میکند جسم خود را بدو مرتبه‌اش و در اول چهار تکبیر میگوید در مقام هر عنصری از عناصر اربعه که حقیقت جسم مرکب از آنست و در مابقی اذکار دو مرتبه میگوید بعلت دو مرتبه وجود

خود چه نماز بایست بکل مراتب بعمل آورد و اقامه اعلام عالم ارواح است و تذکارش توجه بجانب حق تعالی به نماز باین علت است که در اذان صوت را بلند میکنند و در اقامه نمیکنند.

پس نیت کرده برای نماز بایست و تکبیرة الاحرام بگو و قلب خود را متوجه کن و حواس خود را جمع ساز و اعضا و جوارح خود را ساکن گردان زیرا که میخواهی که ادای امانت کنی که آسمانها و زمینها و کوهها از تحمل و محافظت آن عاجز شدند و از قهر و سطوت جبار عالم در نزد تضييع آن خایف و هراسان پس مستشعر باش که مانند بندگان بخدمت سید و مولای خود قیام و اقدام نمودی و کمال حسن خدمت که شیوه بندگان با اخلاص است بایست بعمل آوری چون جهل و عجز و فقر ذاتی ممکنست لاجرم خدمت که لایق باشد جز بتعلیم خداوند کریم ممکن نیست و وصفی که سزاوار باشد جز بتوصیف حضرت جبار میسر نی کما قال عزوجل **واذکروه کماهداکم** یعنی پرستش کنید او را بطوریکه خود بیان فرموده پس مشغول قرائت حمد شو که اشرف سور قرآنی و مبدء مفاتیح عوالم غیبیه است و مجمع جمیع اسرار الهیه است و مخزن جمیع علوم لاهوتیه و ناسوتیه و اوست سبع المثانی و علت مبانی و معانی پس بگو **بسم الله الرحمن الرحيم** یعنی ابتدا میکنم و استعانت میجویم در جمیع امور خصوصاً در حفظ و اعانت بر ادای نماز بر مثال اصحاب راز و ارباب نیاز بجمیع حدود و شرایط و آداب بنام خداوندی که کامل مستجمع

جمیع کمالات و منزّه از جمیع نقایص که این صفت دارد رحمن است
 یعنی خالق خلق است و رازق عباد و محیی بلاد و منقی (مفنی **خل**) احياء
 و ناشر اموات و رساننده است بهر صاحب حق حقش را از مؤمن و کافر و
 مطیع و فاجر و بزرگ و کوچک و بیمار و تندرست و غیر اینها و این صفت
 دارد رحیمست یعنی آمرزنده گناهانست و عطاکننده از فضل و کرم خود
 مر مؤمنان و مخلصان را **الحمد لله رب العالمین** یعنی جمیع ثنا و ستایش و
 تمامی فواضل و کمالات مخصوص خداوندی است که پرورش کننده
 عالمیانست از هزار هزار عالم و هزار هزار آدم کلا در قبضه قدرت و اختیار
 او است و تربیت میکند هر يك را فراخور استعداد و قابلیتش **الرحمن**
الرحیم بخشاینده است و مهربان **مالك يوم الدين** پادشاه روز جزاست و
 قسیم بهشت و دوزخ و رساننده اهل بهشت به بهشت و اهل دوزخ بدوزخ
 و اهل حظایر بحظایر **اياك نعبد** تو را عبادت میکنیم بس **و اياك نستعين** و
 از تو استعانت میجوئیم بس که بجز تو همه مضمحل و باطل و از غیر از تو
 جمله فانی و زایل **اهدنا الصراط المستقیم** ارشاد و هدایت کن ما را براه
 راست و جاده مستقیم **صراط الذين انعمت عليهم** براه آن کسانی که انعام
 کرده ای تو بر ایشان از فضل و کرم خود مانند صدیقان که تصدیق کردند
 بعظمت و قهاریت و استیلاء و احاطه و قیومیت تو پس منع کردند قلوب
 خود را که جز تو را یاد کند و قوا و حواس و مشاعر خود را که جز بتصور
 عظمت و کبریائی و جبروت تو مشغول شوند و منع کردند اعضا و جوارح

خود را که جز در خدمت گذاری تو صرف کنند و مانند شهیدان که نفوس و شهوات خود را برای رضای تو سلب کردند و نفوس خود را بالمره در محبت تو کشتند و از خود فانی شدند و بتو باقی و مانند صالحان که پیوسته حاضر بزم حضور و مقابل فواره نور ایشانند که نعمت از فضل و کرم تو شامل حال ایشان شده و ایشان را از خود برده و بتو سپرده پس ما را هم در سلك ایشان منسلک و در نظم ایشان منتظم گردان **غیر المغضوب علیهم** نه راه کسانی که بر ایشان غضب کرده و از باب رحمت خود رانده و حلاوت محبت خود را بایشان نچشانده مقید بشهوات (بوثائق شهوات **خل**) اسیر در زندان ظلمات انیات و **لا الضالین** و نه راه گمراهان و از مشاهده نور معرفت تو کوران و از لذت حلاوت ذکر تو بیخبران پس چون کلام باینجا رسانی بخود آی و عظمت الله را در نظر آر و بترس از آنکه رحمت شاملت نشود و حذر کن از آنکه این نعمت واصلت (از تو و اهلت **خل**) نگردد پس منقطع شو بحضرت قدس و متوجه شو بحظیره انس پس اندکی ساکت شو و بعد از آن شروع کن در سوره دیگر که آن سوره تفصیل این اجمال و تبیین این احوالست پس چون این سوره مبارکه را که جامع دو اصل یکی توحید دوم ذکر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین او (ع) است پس از سوره ها اختیار کن برای رکعت اول سوره را که منسوبست بجناب پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهارش (ع) و از برای رکعت دوم سوره که منسوبست بتوحید و مذکور

است در او مقامات تفرید و احسن سور در نسبت اولی سوره قدر است و در ثانیه سوره توحید هر چند تو را اختیار است در اختیار هر سوره که خواهی **بسم الله الرحمن الرحيم انا انزلناه فی ليلة القدر** بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر و **ما ادريک ما ليلة القدر** و چه میدانی تو از عظمت و مقدار و رفعت مقام شب قدر را **ليلة القدر خير من الف شهر** شب قدر شیبست که ملائکه زمینها و آسمانها و ساکنان کرسی و حاملان عرش جملگی بر امام زمان علیه السلام نازل میشوند و جمیع اخبار و وقایع و احوال از آنچه محتوم است و از آنچه مشروط است و از آنچه شرطش واقع میشود و آنچه شرطی (شرطش **خل**) واقع نمیشود و جمیع احوال خلق را کلا با امام زمان (ع) خبر میدهند با سایر اسرار غیبیه و رموزات مخفیه و در همان شب بقدر ملائکه مذکوره شیاطین نازل میشوند بر رئیس اهل باطل در آن زمان پس خبر میدهند او را بجمیع امور باطله و علوم افلاکیه (افکیه **خل**) کاذبه و رسوم معوجه مغیره و امور باطله که مشابه حقست بجهت تمویه بر ضعفاء مؤمنین بالجمله آن شب روی زمین تنگ میشود از کثرت نزول ملائکه بر امام حق (ع) و کثرت ورود شیاطین بر امام باطل علیه اللعنة والعذاب و باین علت آن شب را شب قدر گویند و این نعمت عظمی از خواص محمد (ص) و آل اطهار او است صلوات الله علیهم و در هر سال مستمر است الی یوم القيمة پس خداوند عالم خبر میدهد که این شب بهتر است از هزار ماه که بنی امیه لعنهم الله

تعالی مستولی بر حکم بودند و غضب حق از اهل حق نمودند و آن هشتاد
 سال است **تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام** نازل
 میشوند در این شب ملائکه از تمامی آسمانها و از عرش و کرسی بر امام
 علیه السلام و نازل میشود روح که ملکیت اعظم از جبرئیل و میکائیل و
 اسرافیل و عزرائیل که تسدید ائمه علیهم السلام می کنند و ایشان نازل
 میشوند در این شب و خبر میدهند از هر امری بسلامت و صحت و عدم
 قصور و فتور و عدم اعوجاج بلکه خبر میدهند اشیاء را علی الحق و طریق
 مستقیم **هی حتی مطلع الفجر** این امور و احوال ثابت است و کاینست تا
 طلوع صبح یا آنکه این شب جامع این احوال است تا طلوع صبح **بسم الله**
الرحمن الرحیم قل هو الله احد بگو ای محمد (ص) که خداوند تعالی
 یکی است بی شریک و بی مثل و مانند و بی نظیر و بی وزیر و بی مشیر و
 بی جزء و بی ترکیب **الله الصمد** پروردگار یست غنی و بی نیاز همه باو
 محتاج اند و او بکسی محتاج نیست **لم یلد** نژاد و اولادی برایش نیست و
 الا شریک بودند با او و جزئی برایش پیدا میشد **و لم یولد** از چیزی متولد
 نشده و الا آن چیز مقدم بود و اصل و محال است بر خدا چیزی مقدم
 باشد **و لم یکن له کفوا احد** و نیست برای او ماندی و همسری و احد
 است در ذات خود و واحد است در صفات و واحد است در افعال و واحد
 است در عبادت پس چون سوره را باتمام رسانیدی و توجه تام بحضرت
 قدس نمودی و فعل و قول بعمل آوردی و قیام بخدمت نمودی پس خاضع

شو و ذلیل باش و بدان که این قیام و این اعمال نه از قدرت خود است بلکه
 مقامت فنا است و مسکنت ترا بست پس رو آر بسوی خاک و بایست بحد
 راکع و گردن را کشیده نگاه دارد و پشت را چنان خم کن که اگر قطره
 آبی بیفتد نسبتش بهمه اطراف علی السوی باشد پس مستشعر باش بر
 ضعف خود و فقر و ذلت خود را و بر خود قرار ده کمال عبودیت را هر
 چند گردنم را ببرند پس تسبیح و تنزیه کن خداوند را و بگو **سبحان ربی
 العظیم و بحمده** یعنی تسبیح و تنزیه میکنم حق تعالی را از جمیع صفات
 امکانیه تنزیه کردنی در حالتیکه من مشغولم بحمد و ثنای او پس سر بردار
 و مستشعر باش که از خاک ایجاد شده‌ام پس بگو **سمع الله لمن
 حمده** یعنی شنید خداوند کریم و قبول کرد بفضل و کرم خود مر کسی را
 که حمد او کرده و ثنای او را بجای آورده اگر چه این حمد و ثنای لایق جلال
 و عظمت او نیست پس تکبیر بگو و رو آور بعظمت خدا و تفرد او و
 اضمحلال ماسوا و اینکه هر زنده می‌میرد پس رو بخاک آر برای سجده و
 اعضای سبعة را که اهم و اعظم و اشرف اعضا است بخاک بچسبان و بخاطر
 آر که دو مرتبه خواهی مرد و با خاک یکسان خواهی شد چنانکه اول مرتبه
 در خاک بودی و از خاک آفریده شدی پس پستی مرتبه خود و علو و رفعت و
 قدر خداوند جبار را متذکر شو و بگو **سبحان ربی الاعلی و بحمده** یعنی
 پاک و منزّه است از جمیع نقایص و صفات خلقیه و سمات امکانیه
 پروردگار من که بلند است قدرش و عالی است جلال عظمتش از اینکه

برسند باو عقول و اوهام و افهام و مدارك و مشاعر از كل خلق از ملك
مقرب و نبی مرسل پس در سایر ادعاها بطریق اولی و من مشغولم بحمد و
شکر او و ثنا و ستایش او پس سر بردار و متذکر شو که دومرتبه زنده
خواهند کرد تو را در قبر و از تو سؤال خواهند نمود آنچه را که ترا بآن
تکلیف کرده‌اند و خواهند نوشت بر تو اعمال حسنه و سیئه ترا و آن شغل
ملکیست که او را رومان نامند پس توبه کن از گناهان و سیئاتی که
کرده‌ای و می‌ترسی که بر تو نوشته شود و عقوبتش لازم تو گردد پس
بگو **استغفر الله ربی و اتوب الیه** یعنی طلب میکنم آمرزش را از
خداوندی که پروردگار منست و بازگشت میکنم و رو می‌آورم بسوی
فضل و کرم او پس باز نظر کن بحال خود و اضمحلال و ناچیزی خود و
استقلال و تفرد حق تعالی را پس بگو **الله اکبر** یعنی برای خدا ثابت است
عظمت و کبریا و بقا و دوام پس بخاطر آور که باز دومرتبه خواهند خلق
مرد در نزد نفخه صور پس باز بخاک بیفت و خود را مرده انگار و از
حرکات نفسانیه و جسدانیه دست بازدار پستی مرتبه خود را نظر نموده
خداوند را بعلو مقام یاد کن و بگو **سبحان ربی الاعلی و بحمده** پس سر
بردار و یاد حشر اکبر و نشر روز قیامت کن و بگو **الله اکبر** کبریا و
عظمت لایق حضرت پروردگار است و کل خلائق مضمحل و نابود در
قیامت امری جز امر او و حکمی غیر از حکم او نباشد و معنی **و الملك**
یومئذ لله بر خواص و عوام ظاهر و هویدا گردد پس برخیز بجهت قیام

قیامت و بگو بحول الله و قوته اقوم واقعد یعنی بحول خداوند عزوجل و تحویل و تغییر دادن او مرا از حالی بحالی و از حکمی بحکمی و بقوه و اقتدار او میایستم و می نشینم پس بایست و مشغول قرائت باش بترتیبی که سابق مذکور شد پس بترتیب سابق رکوع و سجود کرده بعد از رفع رأس از سجده دوم تشهد بخوان و متذکر باش صحرای محشر را و اینکه خلائق نامه اعمال ایشان در دست ایشانست پاره ای بدست راست دارند و پاره ای بدست چپ پس خلائق کلا در آن روز بصورت تشهد متورک نشسته حساب بولی حساب میدهند پس آن روز را بخاطر آورده و آن مجلس را متذکر شده مشغول حساب دادن باش و بگو **اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له** یعنی گواهی میدهم باینکه نیست خداوندی لایق پرستش و عبادت مگر خداوند تبارک و تعالی که واحد (احد **خل**) است و شریکی برای او نیست در ذات که قدیمی باشد بجز او و در صفات که مثلی باشد برای او یعنی بمعنی صفت او برای کسی صفتی باشد و در افعال یعنی در ایجاد موجودات و کافه مصنوعات برای او شریکی یا معینی یا وزیری یا مشیری یا وکیلی باشد یا مانند غلامی که باذن و امر آقای خود کاری بانجام رساند بلکه او است سبحانه و تعالی متفرد و متوحد در ایجاد و خلق و رزق و احیا و اماته خالق و رازقی بجز او نباشد اگر چه باذن و امر او باشد مثل وکیل و غلام و در عبادت یعنی بجز او سبحانه و تعالی چیزی را مستقل نبیند و چیزی را منشأ اثر نداند و وجود و عدم اشیاء در نظر او علی السویه

باشد و مصداق آیه کریمه **لا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم** بوده
 باشد و **اشهد ان محمدا عبده و رسوله** یعنی گواهی میدهم باینکه محمد
 بن عبدالله صلی الله علیه و آله بنده او است خاضع و خاشع برای او است
 مقهور در تحت سلطنت و کبریائی او است نه شریک است با او نه خالق
 است بدون او و نه با او و نه او سبحانه در او حلول کرده و نه امور خلق و
 رزق و احیا و اماته و سایر احکام وجودیه و شرعیه مفوض با او است با
 انزال حق سبحانه و تعالی مثل تفویض امر موکل بوکیل و تفویض امر
 پادشاه بوزیر و نه تفویض امور مولا بغلام و گواهی میدهم که اوست
 پیغمبر و فرستاده از جانب خدای تعالی بسوی کافه مخلوقات و عامه
 موجودات و هر صاحب شعور و ادراکی که قلم تکلیف بر او جاری شده
 از هر جنس و هر نوع و هر صنف و هر شخص و پیغمبری پیغمبران جمله
 در نزد ظهور پیغمبریش منقطع گشته هر چه غیر او است تابع و رعیت
 اوست پس بالضروره اقرار دارم که جمیع آنچه از جانب خدا خبر داده و
 بخلق رسانیده حقست و هیچ شکی و ریبی نیست و اوضح از همه و اجلی
 از جمله امر وصایت و خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با اولاد
 طاهرینش صلوات الله علیهم و بیزاری از اعداء و مخالفین ایشانست
 اقرار آوردم و اعتراف کردم و دل را بآن منعقد ساختم پس در این شهادتین
 و اقرار و تصدیق بآن که محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم واسطه
 فیض اند میانه خدا و خلق و قوام ماسوای ایشان وابسته بوجود ذی جود

ایشانست و ایشان را غنائی از خداوند قهار نیست و دایم محتاج و مستند از حضرت کردگار لاجرم توجه بجانب حق نموده و دوام مدد و استمرار افاضه را بر ایشان از حضرت کریم منان طالب شو و بگو **اللهم صلی علی محمد و آل محمد** یعنی بارالها صلوات بفرست بر محمد و آل محمد و صلوات یا مشتق از صله است بمعنی عطیه یا از وصل است بمعنی اتصال یا از صلوات است بمعنی متابعت پس بنا بر معنی اول معنی چنین است که بارالها عطا کن بفضل و کرم خود از فیوضات غیر متناهی و امدادات غیر منقطعه محمد و آل اطهارش را تا ایشان بدوام و استمرار افاضه ماضعفان را مستفیض گردانند و **تقبل شفاعته فی امته و ارفع درجه** یعنی قبول کن شفاعت آن بزرگواران را درباره امتی که اجابت دعوت او کردند در خصوص وصایت وصی و خلیفه او ابن عمش امیرالمؤمنین علیه السلام با خلفاء راشدین از ذریه طاهرین و عصمت و طهارت صدیقه طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علی ابیها و بعلمها و بنیها و علیها پس آن حضرت بعلت کمال رحمت و رأفت که با این امت دارد شفاعت ایشان را بر ذمه خود لازم و متحتم گردانید پس شفاعتش را درباره امتش قبول کن و درجه او را بلند گردان تا پایه ادراک احدی باو نرسد و بدانکه نماز در اول تکلیف دو رکعت بیش نبود که رکعت اولی بازای اهل دنیا و رکعت ثانیه بازای اهل آخرت پس جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله تفصیل دادند این دو مقام را و دو رکعت دیگر در پاره‌ای از نمازها افزودند بازای اهل برزخ و اهل

رجعت که مندرج در ضمن دنیا و آخرت بودند و در پاره‌ای از نمازها يك رکعت افزودند بازای اهل برزخ که رجعت حقیقه از سنخ عالم برزخ است و در پاره دیگر هیچ نیفزودند برای بیان اینکه زیادتى‌ها را دو رکعت متضمن و شامل است پس در این صلوات خمس احوال جمیع مراتب را برای جمیع مخلوقات با اختلاف مراتب و درجات ایشان بیان فرمود پس چون پیغمبر صلی الله علیه و آله عین صلاح و حکمت و صواب بود چه خداوند عالم قلبش را مظهر از اوساخ شهوات فرموده پس قول او قول خدا و امر او امر خدا و نهی او نهی خدا و طاعت او طاعت خدا و معصیت او معصیت خدا خواهد بود لهذا آن زیادتى‌ها را جزء نماز کرده در دو رکعت اول بتشهد تنها اکتفا شد پس بعد از فراغ از تشهد برخیز برای دو رکعت دیگر در ظهر و عصر و عشا پس مخیری میانه حمد و میانه تسبیحات اربع پس اگر حمد بخوانی سوره ضرور نیست و اگر تسبیح میخوانی بگو **سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر** یعنی تنزیه میکنم خدا را از جمیع صفات امکانیه و حالات خلقیه و قرانات کونیه از هر چه محسوس شود و متخیل گردد و بقوه مفکره و واهمه درآید و بتصویر نفس مصور گردد و بقوه عاقله مدرك شود و در نزد فؤاد ظاهر و منکشف گردد و حمد میکنم خداوند را بر نعمتهای غیر متناهیة او از نعمت خلق و حیات و رزق و موت و سایر نعمتها و توحید میکنم او را از جمیع اضداد و انداد باینکه نیست معبودی سزاوار پرستش بغیر او سبحانه و تعالی و تکبیر

میگویم با اینکه او سبحانه و تعالی اکبر و اجل است از اینکه بفهم علما و عقل حکما و ادراک انبیاء و اولیا درآید و از اینکه خلش ناقص باشند و اینکه نواب و خلفایش بجمیع کمالات امکانیه موصوف نباشند بدانکه حق تعالی عرش را مرکب از چهار نور خلق فرموده و هر نور را خلق فرمود از شعاع کلمه از این کلمات پس نور ایض را که رکن ایمن اعلای عرش است از شعاع **سبحان الله** مخلوق ساخت و نور اصفر را که رکن ایمن اسفل عرش است از شعاع **الحمد لله** خلق فرمود و نور اخضر را که رکن ایسر اعلای عرش است از شعاع **لا اله الا الله** خلق فرمود و نور احمر را که رکن ایسر اسفل عرش است از شعاع **الله اکبر** خلق فرمود و مدار عالم بعرض و مدار عرش باین کلمات پس سه مرتبه این کلمات را تکرار کن بنا بر احوط بجهت تمام عدد دوازده بعثت ظهور این چهار رکن در سه عالم عالم جبروت و ملکوت و ملک پس چون از تسیحات فارغ شوی بدستور سابق رکوع و سجود بجا آر و اگر در ظهرین و عشا است رکعت ثانی را نیز بدستور مذکور از تسیح و رکوع و سجود بجا آر و بعد از اكمال سجدتین نشسته تشهد بدستور سابق بخوان تا حد صلوات و بخاطر آر صحرای محشر را و نشستن پیغمبر صلی الله علیه و آله را بر منبر وسیله و بودن خلق در یمین و شمال آن منبر و نشستن ایشان بر هیئت تورك از برای حساب پس بعد از شهادتین و صلوات رو آور بجانب پیغمبر صلی الله علیه و آله و بگو **السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و برکاته** یعنی تسلیم آنچه

وعده کرده است خلق را از نعيم مقيم و عذاب اليم و تسليم هر صاحب
 مرتبه مرتبه‌اش را در درجات بهشت و در درکات دوزخ برتست يا رسول
 الله صلى الله عليه و آله و رحمت خدا و عظيم برکتهای او بر تو باد پس
 حکايت از لسان (ايشان **خل**) پيغمبر صلى الله عليه و آله کرده
 بگو **السلام علينا و على عباد الله الصالحين** يعنى تسليم اين مذکورات بر
 ماست و بر بندگان شايسته خدا که هرگز معصيت نکردند و ترک اولی نیز
 از ايشان صادر نشد و ايشانند اميرالمؤمنين با يازده فرزند ارجمندش
 صلوات الله عليهم اجمعين چه ايشانند حامل امر و نهی ما پس بلافاصله
 بهمگی خطاب کرده بگو **السلام عليكم و رحمة الله و برکاته** يعنى تسليم
 اينها همه بر شما است ای آل محمد صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين با
 آنکه مصلی در اين تسليمات حکايت سلام خدا را میکند بر رسولش صلى
 الله عليه و آله در شب معراج زیرا که چون پيغمبر صلى الله عليه و آله بمقام
 او ادنی رسيد خطاب از رب العزه در رسيد که **السلام عليك ايها النبی و**
رحمة الله و برکاته يعنى رحمتهای بی پایان و کرامتهای شایان من بر تو باد
 ای فرستاده من و خبردهنده از من بعد از اين خطاب حضرت رسالت مآب
 صلى الله عليه و آله اولاد اطهار خود را در اين عطيه عظمی و موهبت کبری
 شريك فرموده چنانکه در واقع چنانست عرض کرد **السلام علينا و على**
عباد الله الصالحين پس حضرت رب العزه به مقتضای تمنای حبيب خود
 ايشان را هم شريك فرموده فرمود **السلام عليكم و رحمة الله و برکاته**

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.

اینست مختصر آنچه بلسان ابکم بیان این قاصر جاری شد بجهت انتفاع عوام و تفصیل امر موکول است بر ساله مبسوطه که در اسرار الصلوة نوشته شده که او کافست مر طالب هدایت را و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و الحمد لله رب العالمين.